

بازخوانی رابطه کاهش نرخ فرزندآوری با افزایش نرخ طلاق در ایران

صالح قاسمی*

مقدمه

با اجرای برنامه جامع کنترل جمعیت و قانون تنظیم خانواده که از میانه دهه شصت در کشور در دستور کار قرار گرفت، نرخ رشد جمعیت کشور از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ تنزل پیدا کرد و نرخ باروری از ۶/۵ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۶۵ به ۱/۸ فرزند در سال ۱۳۹۵ سقوط کرد. این کاهش سریع نرخ باروری در ایران اسلامی، پیامدهای گسترده‌ای در پی داشته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به پیامدهای پیچیده و شبکه‌ای اجتماعی اشاره کرد. از جمله اصلی‌ترین مصادیق پیامدها و آسیب‌های اجتماعی برآمده از کاهش نرخ رشد جمعیت (YGR)^۱، سقوط نرخ فرزندآوری (TFR)^۲ و رواج الگوی بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی در جامعه ایران است. افزایش محسوس نرخ طلاق^۳ در سال‌های آغازین زندگی که معمولاً به

* کارشناس تحولات جمعیت و نویسنده مجموعه «جنگ جهانی جمعیت».

۱. رشد جمعیت تغییر در جمعیت گونه‌ای از موجودات در بازه‌ای از زمان است. نرخ سالانه رشد جمعیت بشر در جمعیت‌شناسی به میزان تغییرات جمعیت در یک سال گفته می‌شود.
۲. نرخ باروری کل یا TFR میانگین تعداد فرزندان است که هر زن در طول دوره فرزندآوری خود به دنیا می‌آورد.
۳. نسبت طلاق‌های یک جامعه در دوره زمانی خاص که معمولاً یک سال تمام شمسی است بر مبنای معینی را نرخ طلاق می‌گویند.

صورت توافقی انجام می‌شود و فراتر از آن تشدید گسترده پدیده طلاق عاطفی، متغیری است که به شدت از دگرگونی الگوی فرزندآوری، کاهش نرخ رشد جمعیت (YGR) و نرخ باروری (TFR) متاثر شده‌اند.

کاهش میانگین تعداد اعضای خانواده ایرانی

خانواده مهم‌ترین و مقدس‌ترین کانون اجتماع بشری است که به عنوان سنگ بنا و پایه اصلی جوامع از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است. این نهاد ارزشمند با گذشت زمان و در دوره‌های گوناگون زندگی انسان، دستخوش دگرگونی و تغییرات زیادی شده است و از این رو هنجارها، ارزش‌ها و قوانین حاکم بر آن بسته به شرایط و دوره‌های زمانی نیز دگرگون شده است؛ اما همواره همبستگی و انسجام، ارزش اساسی و کانونی در این نهاد به شمار می‌رفته است.

گذر جوامع از سنتی به نوین دگرگونی‌های زیادی، همچون دگرگونی در الگوی فرزندآوری به همراه داشته است. این تحولات تاثیرات بسیاری را در بخش‌های گوناگون جامعه بر جای گذاشته است که خانواده نیز از این دگرگونی‌ها دور نمانده است.

کاهش سقوط گونه نرخ باروری در ایران اسلامی پیامدهای گسترده‌ای داشته است که محسوس‌ترین این پیامدها، کوچک‌تر شدن خانواده‌های ایرانی است. این متغیر از مهم‌ترین علل بروز آسیب‌های اجتماعی برآمده از نهاد خانواده است. در یک نگاه بخشی و گذرا، این تغییرات محدود به رفتارهای شخصی خانواده‌هاست، اما در یک نگاه راهبردی و شبکه‌ای هر تحولی در مولفه‌های آماری جمعیت، در تاثیر و تأثر کاملاً مشهود و معناداری با سایر ساختارها و متغیرهای اجتماعی است که می‌بایست از منظر کارشناسی و تحلیلی مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گیرد.

خانواده و روابط مشتمل بر آن و پدیده‌های اجتماعی از نخستین نهادهای متاثر در تحولات جمعیت شناختی است که در این رابطه متقابل می‌توان به تحولاتی، مانند رواج پدیده چند وجهی فرزند سالاری، شیوع گسست عاطفی و زناشویی، افزایش نرخ طلاق‌های توافقی، طلاق‌های عاطفی و تضعیف گسترده شبکه خویشاوندی در خانواده‌ها اشاره کرد.

بُعد خانوار به معنای میانگین تعداد اعضای یک خانوار در سال ۱۳۶۵ در کشور،

حدود ۵/۱ نفر بوده است که این عدد در سرشماری سال ۱۳۹۵ به حدود ۳/۳ نفر کاهش یافته است. به عبارت دیگر در حال حاضر هر خانواده ایرانی به طور میانگین کمتر از چهار نفر عضو دارد.

روند تغییرات بُعد خانوار در ایران
(میانگین تعداد اعضای یک خانواده)

سرشماری رسمی	۱۳۶۵	۱۳۹۵
بُعد خانوار (نفر)	۵/۶	۳/۳

نتایج آماری سرشماری‌های رسمی مرکز آمار ایران

همچنین بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده، فقط در دهه گذشته نسبت خانوارهای تک نفره و دو نفره در رشدی محسوس رو به افزایش است و به ترتیب ۳/۲ درصد و ۵/۴ درصد افزایش یافته است. در مقابل خانواده‌های پنج نفره و بیشتر دچار سقوط آماری گشته و به شدت تنزل پیدا کرده است، به طوری که با ۱۷/۵ درصد کاهش، رکورد سقوط بی‌سابقه‌ای بر جای گذاشته است.

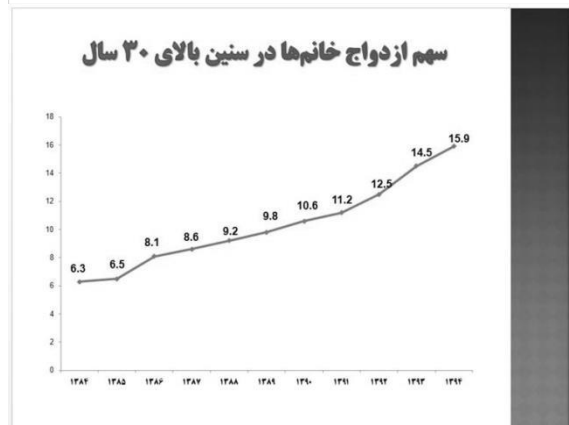
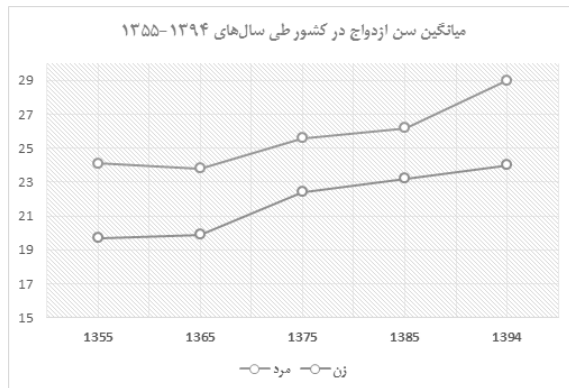
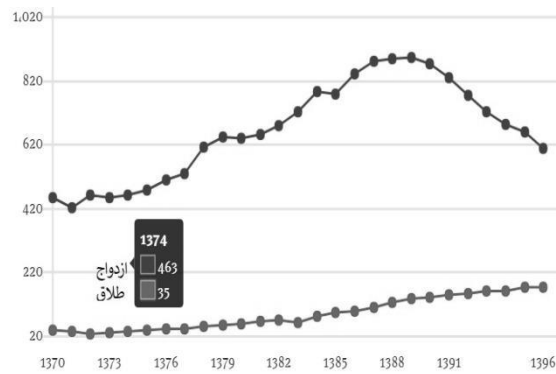
توزیع نسبی خانوارها بر حسب تعداد افراد خانوار: ۱۳۸۵-۱۳۹۵

سال	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۵ نفر و بیشتر
۱۳۹۵	۸,۵	۲۰,۷	۲۸,۵	۲۷,۶	۱۴,۷
۱۳۹۰	۷,۱	۱۸,۴	۲۷,۱	۲۶,۳	۲۱
۱۳۸۵	۵,۲	۱۵,۳	۲۲,۹	۲۴,۴	۲۲,۲

مرکز آمار ایران

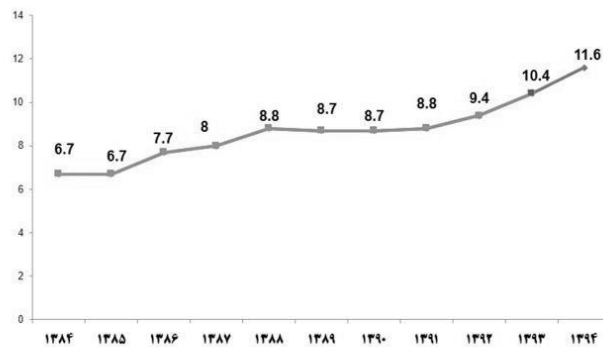
افزایش محسوس میانگین سن ازدواج و کاهش آماری نرخ ازدواج افراد در سن

ازدواج نیز در تشدید پدیده تجرد قطعی^۱ و کاهش نرخ رشد تعداد خانواده ها بسیار موثر بوده است.

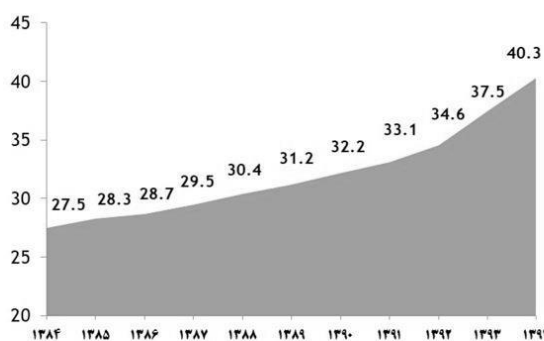


۱. تجرد قطعی یعنی کسانی که امید به ازدواج ندارند و احتمال ازدواج در بین آنان بسیار کم است.

سهم ازدواج آقایان در سنین بالای ۳۵ سال



سهم فرزندآوری در بالای ۳۰ سال



تضعیف ساختار و روابط خانوادگی

کمیت و کیفیت روابط عاطفی اعضای خانواده، به ویژه زوجین از مهم‌ترین مولفه‌های موفقیت نهاد خانواده و یا ناکارآمدی آن است. لذا بررسی عوامل ضعف و گسست عاطفی روابط خانواده، بسیار ضروری می‌نماید. به طور کلی، هر عاملی که باعث تضعیف روابط خانواده و تفاهم و توافق فی‌مابین زوجین و ناسازگاری

زناشویی شود، باعث افزایش نرخ طلاق خواهد گشت. از آن جا که وجود فرزندان و تعدد آنها و تقویت جایگاه والدینی برای زوجین، علاوه بر تکامل بیشتر شخصیت انسانی آنها، منجر به تحکیم روابط عاطفی بین همسران می‌شود، لذا با کاهش بُعد خانوار و کوچکتر شدن خانواده‌ها و کاهش عاطفی زوجین، مولفه‌های عاطفی استحکام بخش، برای استمرار زندگی مشترک و گذر از بحران‌های اجتناب ناپذیر زندگی مشترک، کاهش خواهد یافت. در نتیجه کاهش تعداد فرزندان در خانواده‌ها در حقیقت مولفه‌های عاطفی استحکام بخش زندگی مشترک زوجین را به شدت تنزل خواهد داد.

نداشتن فرزند، افزایش فردگرایی را در پی خواهد داشت و هر یک از زوجین برای جبران این تنهایی و با هدف پرکردن خلاءهای خویش تمهیداتی را همچون؛ تحصیلات دانشگاهی غیرهدفمند بانوان، اشتغال بی‌رویه بانوان، ایجاد روابط و مراودات گسترده و عمیق با دوستان و همکاران، گریز از محیط خانه، خواهند اندیشید.



باید توجه داشت که این در فرض مسئله خانواده‌های هسته‌ای و بدون فرزند، اغلب با هدف فرار از خانه و تنهایی ناشی از آن و همچنین نبود نشاط و عواطف سرشار والدینی مورد نیاز انسان در دستور کار زوجین قرار می‌گیرد، در حالی که این تصمیمات خود منجر به تضعیف بیشتر روابط عاطفی خانواده شده، زوجین را روز به روز از همدیگر دورتر نموده و در معرض گسست روابط عاطفی و زناشویی قرار

خواهد داد.

شیوع طلاق عاطفی و گسست روابط عاطفی و زناشویی

تفرّد گسترده و مستمر زوجین و به دنبال آن تضعیف روابط عاطفی خانوادگی، به مرور موجب بروز گسست روابط زوجینی و زناشویی و وقوع پدیده‌ای تحت عنوان طلاق عاطفی و غیر رسمی شده است.

متأسفانه در سال‌های اخیر همزمان با بالا رفتن میزان تفرّد و تضعیف روابط عاطفی خانواده‌ها، بخشی از ازدواج‌ها در سال‌های آغازین زندگی، به طلاق عاطفی منتهی می‌شوند.

طلاق عاطفی به معنای گشوده شدن گره عاطفی و مهربانی میان زن و شوهر است. در طلاق عاطفی، همسران از یکدیگر جدا نمی‌شوند و در حقیقت زیر یک سقف زندگی می‌کنند؛ اما دیگر از رابطه عاطفی و صفا خبری نیست. آنها زندگی روزمره‌شان را می‌گذرانند؛ ولی دیگر نشاط و احساسات خانوادگی را در نمی‌یابند و کم کم از نقش حقیقی همسری خارج شده، به هم خانه بودن بسنده می‌کنند. شاید بتوان گفت زندگی زناشویی خاموش، جدایی روحی - روانی و به عبارت بهتر طلاق خاموش، مترادف‌هایی برای واژه طلاق عاطفی هستند. پس آن‌گاه که وجود زن و شوهر از احساساتی دلنشین، با نشاط و آرامش بخش خالی می‌شود و می‌توان گفت طلاق عاطفی اتفاق افتاده است.

زمانی که فرزندان به عنوان پایه‌های نشاط و چراغ مهر و عاطفه در یک خانواده حضور نداشته باشند، به تدریج گفت‌وگوی زوجین رو به کاهش می‌گذارد و ناامیدی و بی‌ثمری حاکم می‌گردد. زوجین از همنشینی با هم لذت نمی‌برند و دیگر نه می‌توانند و نه می‌خواهند که رشته سخن را به دست گرفته و ادامه دهند. اصلاً حرفی برای گفتن به هم ندارند. این وضعیت ناخوشایند، توصیف دقیق یکی از نشانه‌های طلاق عاطفی است.

از دیگر نشانه‌های طلاق عاطفی این است که قلب همسران، یا یکی از آنها، آکنده از احساس ناامیدی و شکست می‌شود؛ این مهمترین عامل حرکت و نشاط در زندگی،

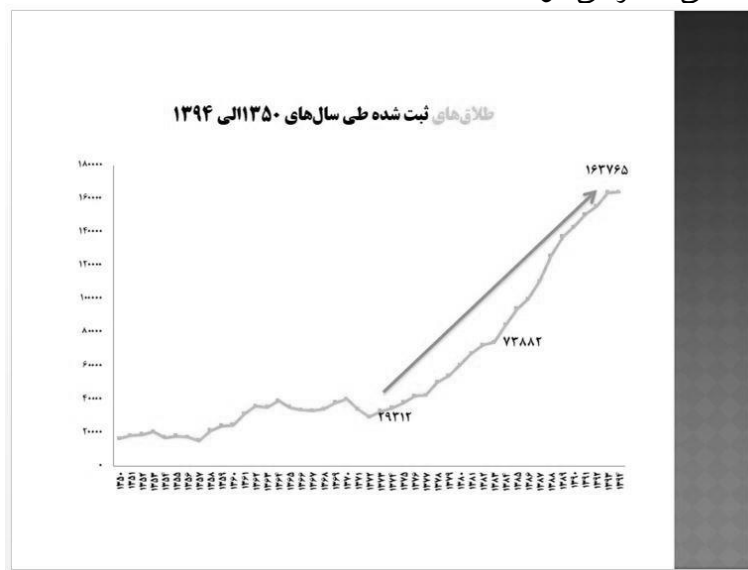
جای خود را به ناامیدی و احساس ناتوانی می‌دهد. در نتیجه هر کدام از زن و شوهر، احساس می‌کنند که در زندگی مشترک موفق نبوده‌اند و از دست یافتن به آرزوهایشان دور شده‌اند. البته این قطعی است که احساس شکست لحظه‌ای و برهه‌ای، ممکن است در زندگی هر زوجی پیش بیاید، اما استمرار و ماندگاری این حس و تبدیل شدن آن به نوعی یاس فلسفی در زندگی، از نشانه‌های طلاق عاطفی است.

هر گاه زن و شوهر از جهت روحی و عاطفی از یکدیگر فاصله می‌گیرند، گرفتار آشفتگی‌ها و ناراحتی‌های روحی - روانی می‌شوند و برای سبک شدن از بار غم و اندوه درونی خود، در پی جایگزین مناسبی برای تنهایی در خانواده می‌باشند. ممکن است در این فرار از تفرّد، برخی از مردان به همرازی با جنس مخالف گرایش پیدا کنند و به روابط غیر اخلاقی روی بیاورند. این نوع روابط ممکن است به مرور به عادت تبدیل شود. در این صورت ترمیم رابطه زناشویی همسران مشکل خواهد شد. تحصیلات دانشگاهی غیرهدفمند بانوان، اشتغال بی‌رویه و غیرضروری بانوان، ایجاد روابط و مراودات گسترده و عمیق با دوستان و همکاران همجنس و غیرهمجنس و گریز از محیط خانه تحت هر بهانه نیز از پیامدهای تفرّد و طلاق عاطفی برای بانوان است که آنها را در مسیر نیل به طلاق رسمی بیش از پیش سوق می‌دهد.

افزایش آماری و فراوانی واقعه طلاق

کلمه طلاق در لغت به معنای رها شدن و جدا شدن است و در اصطلاح به معنای پایان دادن به رابطه زناشویی است. حال این پایان دادن ممکن است با توافق طرفین باشد که به آن طلاق توافقی می‌گویند و یا این که ممکن است به درخواست یکی از زوجین، یعنی به درخواست زن یا مرد باشد که به آن طلاق یک طرفه می‌گویند. طلاق و از هم پاشیدگی کانون خانواده یک آسیب و معضل اجتماعی است که پیامدهای آن از جمله مشکلات بزرگ جامعه کنونی ما به شمار می‌رود، ولی در شرایط حاضر به صورت متداول‌ترین راه حل یک ازدواج ناموفق درآمده است. به دنبال سقوط نرخ باروری به عنوان یکی از علل تضعیف ساختار روابط عاطفی در

نهاد خانواده و بروز پدیده‌هایی، مانند گسست روابط زوجینی و طلاق عاطفی که در سالیان اخیر در کشور شاهد شیوع بیشتر آن هستیم، فراوانی آماری طلاق‌های قانونی و رسمی نیز افزایش محسوسی پیدا کرده است. طلاق عاطفی به مرور زمان، تنشی فزاینده میان زن و شوهر ایجاد می‌کند که در موارد زیادی به جدایی آن‌ها از یکدیگر و طلاق رسمی منجر می‌شود.



با توجه در تحلیل داده‌های آماری بالا روشن می‌شود که در دو دهه گذشته و به دنبال تغییر در سبک زندگی که یکی از مصادیق آن، تحول در الگوی فرزندآوری خانواده‌هاست، نرخ طلاق نیز دچار یک جهش محسوس آماری شده است که دگرگونی الگوی سنی طلاق و شیوع طلاق توافقی در سال‌های نخستین زندگی مشترک، یکی از نتایج معنادار آن است.

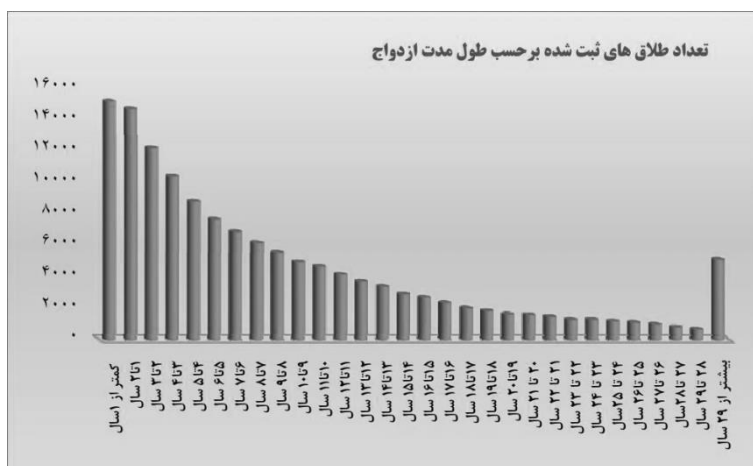
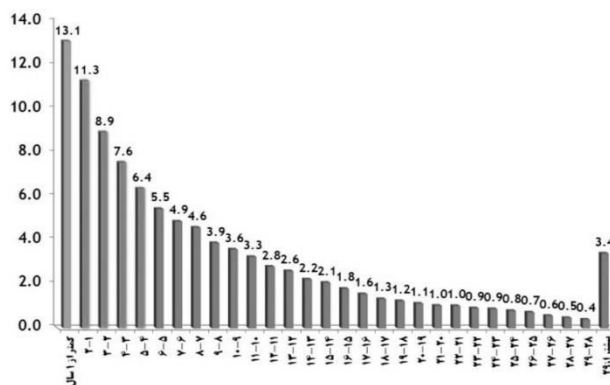
دگرگونی الگوی سنی طلاق و شیوع طلاق توافقی

طی سالیان متمادی پدیده طلاق از یک الگوی رایج پیروی کرده و در برخی از سال‌های زندگی زوجین، فراوانی بیشتری داشته است، اما در سال‌های اخیر با تغییر الگوی فرزندآوری و سایر متغیرهای مؤثر در پدیده طلاق، شاهد آن هستیم که الگوی سنی پدیده طلاق دچار دگرگونی و تحولی محسوس شده است.

بر اساس داده‌های آماری موجود، فراوانی طلاق‌های رسمی ثبت شده در سال‌های نخستین زندگی مشترک به طور مشهودی بیشتر است که یکی از علل اصلی این پدیده نوظهور، توصیه همگانی و غیرکارشناسانه ممانعت از فرزندآوری در پنج سال نخستین زندگی مشترک است. از همین روست که زوج‌های جوان با ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین تنش‌ها و مناقشات خانوادگی بدون هیچ تعلق خاطری اقدام به طلاق می‌نمایند که در اغلب موارد این طلاق‌ها به صورت توافقی محقق می‌شود.

طول مدت ازدواج در طلاق‌های ثبت شده (دوام ازدواج):

- ۱۳.۱ درصد طلاق‌ها مربوط به سال اول زندگی مشترک
- ۴۷.۳ درصد طلاق‌ها مربوط به ۵ سال اول زندگی مشترک



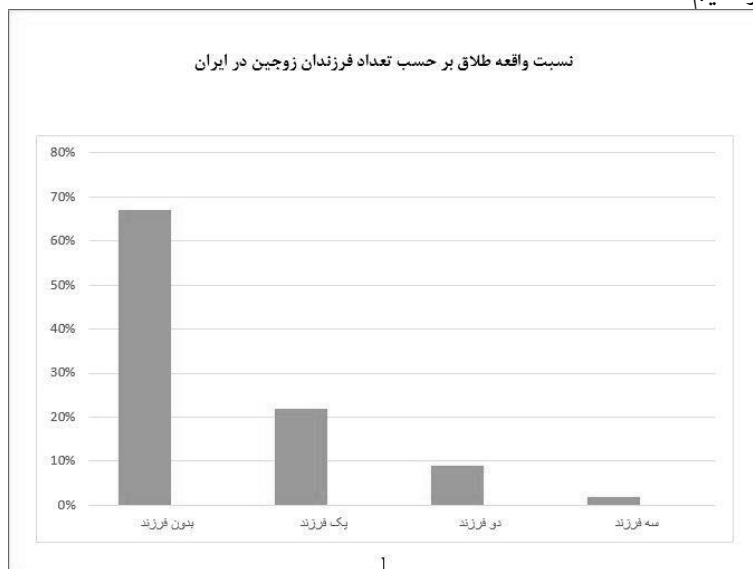
طلاق که همواره به‌عنوان آخرین راهکار، مطرح می‌شود، امروزه در بعضی موارد

اولین راهی است که پیش‌روی زوجها گذاشته می‌شود، بی‌آن‌که به عواقب و پیامدهای بسیار عمیق و گسترده فردی و اجتماعی آن کمترین توجه و دقتی شده باشد. به این ترتیب دور باطل و آسیب‌زای دوسویه و تشدید هر دو طرفه معضل کاهش بُعد خانوار و افزایش نرخ طلاق همچنان ادامه خواهد داشت.

رابطه دوسویه و معکوس نرخ باروری و نرخ طلاق

با توجه به اطلاعات آماری بالا می‌فهمیم که تغییرات میزان نرخ باروری (TFR) با تغییرات نرخ واقعه طلاق در هر دو صورت عاطفی و رسمی در تاثیر و تاثر متقابلی هستند و رابطه دو سویه و محسوسی را با یکدیگر دارند. بدیهی است این رابطه متقابل و دوسویه، به صورت معکوس بوده است و افزایش هر یک، کاهش دیگری را در پی خواهد داشت. مصداق آشکار این فرآیند رخدادی است که در سه دهه گذشته در ایران به وقوع پیوسته است.

برای فهم دقیق‌تر این گزاره بهتر است نتایج یک پژوهش تحلیل آماری را در نمودار زیر مرور کنیم.



در این نمودار به وضوح پیداست که تعداد فرزندان در واقعه طلاق بسیار موثر و معنادار است، به این معنا که اکثریت قاطع طلاق‌ها در خانواده‌های بدون فرزند و

پس از آن در خانوارهای تک فرزند واقع شده است. این داده‌های آماری گویای واقعیت مهم و تعیین کننده‌ای است که می‌بایست توسط اندیشمندان و پژوهشگران تحولات جمعیتی و مسائل اجتماعی مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.

راهکار جمعیتی برون رفت از بحران طلاق

برون رفت از بحران پیچیده و چند بعدی پدیده طلاق در ایران، راهکارهای متعدد، جامع و شبکه‌ای را می‌طلبد که بایسته است به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد، اما آنچه در ارتباط با موضوع این مقاله است این که یکی از بنیادی‌ترین راهکارهای اصلاح شرایط کنونی پدیده طلاق و پیشگیری از روند رو به تزاید این آسیب اجتماعی، حمایت از تحکیم نهاد خانواده و به طور مشخص حمایت از فرزندآوری خانواده‌هاست.

اعمال مشوق‌های قانونی محسوس و مشوق‌های فرهنگی موثر برای افزایش نرخ باروری و اصلاح الگوی فرزندآوری کاملاً ضروری است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ تدوین سیاست جامع جمعیتی برای کلیه نهادهای حاکمیتی و مردمی، اصلاح فرهنگ عمومی و نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری، متناسب‌سازی جنسیتی رشته‌های تحصیلی، متناسب‌سازی جنسیتی مشاغل، رفع پندارهای غلط از نقش مادری و همسری، الگوسازی از بانوان موفق فرزندآور، تبیین منزلت مادری زنان، اقدامات ویژه رسانه ملی در سیاست افزایش مولید، ایجاد گفتمان عمومی ضرورت افزایش زاد و ولد، تولید فیلم و سریال برای تبیین شرایط کنونی و آینده تاریک جمعیتی کشور، اعطای امتیازات اقتصادی ملموس و بدون پیش شرط، جرم‌انگاری برای تبلیغات ضد جمعیتی، وضع قوانین و اعمال معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی، معافیت‌ها و تخفیف‌های حق بیمه، رایگان سازی برخی خدمات عمومی، تبیین فواید بارداری و زایمان طبیعی، حمایت بیمه‌ای برای درمان زوج‌های نابارور، اصلاح آموزش‌های پیش از ازدواج، ترویج حسن اعتماد به رزاقیت پروردگار.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به؛ پایان پویایی (بازخوانی علل کاهش نرخ رشد جمعیت ایران؛ پیامدها و راهکارها)؛ صالح قاسمی؛ ۱۳۹۵ش.

فهرست منابع

۱. اسلامی، فاطمه؛ با هم ولی تنها (طلاق عاطفی در روابط زناشویی)؛ قم: نهاد رهبری در دانشگاهها، نشر معارف، ۱۳۹۲ش.
۲. آقاجانی، محمدصادق؛ تنهای تنها (طلاق عاطفی)؛ قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۳ش.
۳. برنامه ملی افزایش جمعیت و ارتقاء نرخ باروری بر اساس سیاست‌های جمعیتی مصوب شورایی عالی انقلاب فرهنگی؛ تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۲ش.
۴. طاهری، عباس؛ علل و پیامدهای فرهنگی رواج الگوی خانواده هسته‌ای در ایران؛ کاشان: دانشگاه کاشان، ۱۳۹۳ش.
۵. قاسمی، صالح؛ باید برگردیم (بیانات مقام معظم رهبری - مدظله - درباره جمعیت)؛ تهران: نشر خیزش نو، ۱۳۹۶ش.
۶. قاسمی، صالح؛ پایان پویایی (علل کاهش نرخ رشد جمعیت، پیامدها و راهکارها)؛ تهران: نشر خیزش نو، ۱۳۹۶ش.
۷. قاسمی، صالح؛ جنگ جهانی جمعیت؛ تهران: نشر کتاب ابرار، ۱۳۹۳ش.
۸. قاسمی، صالح؛ من قاتل نیستم (جمعیت از منظر شریعت)؛ تهران: نشر خیزش نو، ۱۳۹۶ش.
۹. قاسمی، صالح؛ نسخه بدلی (مشوق‌های افزایش فرزندآوری در جهان)؛ تهران: نشر خیزش نو، ۱۳۹۵ش.
۱۰. کلاتتری، عبدالحسین؛ طلاق در ایران (بررسی تحولات نرخ طلاق در کشور طی سه دهه اخیر)؛ تهران: جامعه شناسان، ۱۳۹۳ش.

